

عوامل گسترش تفکرات مذهبی در میان اقشار دانشگاهی عوامل مذهبی و بحران هویت در اقشار جوان

احد قاسمی کلاهی

مقدمه:

که باشم من؟ مرا از من خبر کن
 چه معنی دارد "اندر خود سفر کن"
 اگر کردی سؤال از من که من چیست
 مرا از من خبر کن تا که من کیست
 چه هست مطلق آمد در اشارت
 به لفظ من کنند از وی عبارت
 تو گویی لفظ "من" در هر عبارت
 به سوی روح می باشد اشارت
 از ویژگیهای عصر جدید، جریان شتاب آلود زندگی هاست، حوادث و
 رویدادهای گوناگون آن چنان با سرعت پدید می آیند که فرصت تفکر و تأمل را از
 آدمی سلب می کنند، و در نتیجه مجالی برای تفرج در دنیای درون و جهاد برون باقی
 نمی ماند و انسان این موجود سرگشته و در مانده نه تنها لذت تفکر را حس نمی کند
 بلکه انگیزه کافی برای اندیشیدن در باب ضروریات زندگی را نیز در خود نمی یابد.

حاصل این روند، بیگانگی او با خویشتن است. ولی آنچه دردآورتر، عمیقتر و دشوارتر، رخ می‌نماید، بیگانگی با خود [عالم درون] است. در کلام الهی از خودبیگانگی، احساس از خدا بیگانگی تلقی شده است. آنجا که می‌فرماید «در زمرهٔ آنانی نباشید که خدای را از یاد بردند، پس خود را نیز از یاد بردند.»^(۱)

امروزه، از خود بیگانگی، معمای بزرگ و معضل فکری اندیشمندان و نویسندگان نام‌آور می‌باشد. الکسیس کارل در بحثی از انسان، این موجود ناشناخته چنین می‌نویسد «ما می‌خواهیم معنای زندگی و مرگ را بدانیم. چرا باید زیست؟ به کجا می‌رویم؟ سرنوشت روان ما چیست؟»^(۲)

وایتهد، ریاضیدان و فیلسوف برجسته معاصر معتقد است که در عصر جدید انسان در لابلای شهرهای بزرگ و جمعیت‌های انبوه و متراکم، بخشی از حقیقت وجودی خویش را از دست داده است و احساس تعلق به جایی ندارد.^(۳)

تعبیری که در حال حاضر برای از خود بیگانگی بکار می‌رود "فقدان هویت" است که به عقیده اریکسون Erikson مفهوم "بحران هویت گویاتر و جامعتر است او هر یک از مراحل رشد آدمی را توأم با یک بحران می‌داند^(۴) ولی شروع بحران هویت را از دورهٔ نوجوانی دانسته و دامنهٔ آن را به دورهٔ جوانی امتداد می‌دهد. شاید بتوان اریکسون را موفقترین نظریه‌پردازانی دانست که در عرصهٔ روانشناسی،

۱- سوره حشر آیه ۱۹

۲- الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، ص ۶.

۳- وایتهد، آلفرد، نورث، سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه دکتر گواهی، ص ۲۵۲.

۴- سعید شاملو، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت.

مفهوم هویت را به ما شناسانده است.

ارزش و جایگاه بحث هویت بی نیاز از ارائه دلیل است ولیکن تنها به ذکر یک مورد اکتفا می‌کنیم. بر اساس قاعدهٔ عقلی یعنی «هر چیزی با ضدش شناخته میشود» کافی است توجهی به آثار، پیامدها و نتایج ناگوار «فقدان هویت» داشته باشیم و از عمق ورنج و دردی که جوانان احساس می‌کنند، آگاه شویم بخش قابل توجهی از افسردگیها، احساس پوچی و درون تهی شدن‌ها و روزمرگی‌ها نتیجه منطقی بی‌هویتی است. برآنیم علاوه بر تبیین متنوع هویت دینی، فرهنگی و اجتماعی نیازها و گرایشهای نسل جوان را محوریت ببخشیم.

مبانی هویت

تأملی در معنا و مفهوم هویت، حدود انتظارات ما را از این مبحث مشخص می‌کند. در فرهنگ معینی آمده است هویت یعنی:

۱- ذات باری تعالی ۲- هستی، وجود ۳- آنچه موجب شناسائی مشخص باشد. در فرهنگ عمید هویت چنین تعریف شده است: هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به «هو» می‌باشد. و دهخدا نیز در لغت نامه‌اش هویت را عبارت از تشخیص دانسته و می‌گوید همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است.

اریک اریکسون که نام او با «هویت» پیوندی عمیق دارد می‌نویسد: هویتی که نوجوان در صدد است تا بطور روشن با آن مواجه شود این است که «او کیست؟» نقشی که باید در جامعه ایفا نماید چیست؟ آیا او یک کودک است یا بزرگسال؟ آیا

توانایی آن را دارد که روزی بعنوان یک همسر یا پدر و مادر باشد؟ آیا او علی رغم نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را از نظر مردم کم ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟ و کراجر از صاحب‌نظران این رشته در تعریف هویت می‌نویسد: «هویت یعنی توازن میان خود و دیگران برقرار کردن» و در جای دیگر آن را همچون یک مرحله در چرخه زندگی می‌پندارد. و در برخی فرهنگی، هویت را مترادف با «شخصیت» و «اصلیت» آورده‌اند. در حالی که ایندو کاملاً مترادف با یکدیگر نیستند هویت معنا و مفهومی گسترده‌تر از شخصیت دارد، زیرا شخصیت فقط در مورد اسنان بکار می‌رود و مورد استعمال بای غیر انسان ندارد. د حالی که هویت مفهوم عامی است که انسان و غیر انسان و از جمله شیء را نیز شامل می‌شود.

آیا احراز هویت برای نسل جوان یک ضرورت است؟

باید موضوع هویت را زاین منظر بنگریم که آیا اهمیت آن در حدی هست که بتوان بعنوان یک نیاز اساسی بدان پرداخت؟ اریش فروم جامعه شناس و روانکاو آلمانی معتقد است "فرق انسان با حیوان ابتدا در نیازهای اختصاصی اوست، از اینرو شناخت او بدون آشنائی با این نیازها میسر نخواهد بود. این نیازها بدین قرار هستند: نیا به تعالی، نیاز به وابستگی، نیاز به هویت (همانندی) و...

از این مقوله‌ها، نیاز به هویت می‌گوید "هر فرد آدمی مایل است به اینکه هویت خاصی داشته باشد از اینرو می‌کوشد که خویشتن را دریابد و بشناسد. در عین حال می‌خواهد فردی باشد "ممتاز" و برای رسیدن به این مقام خود را با شخص یا گروهی از اشخاص نسبتاً مبرز و ممتاز، مرتبط می‌کند یا به اصطلاح، خویشتن را با آنها همانند می‌سازد تا به واسطه امتیاز و تشخیصی که آن فرد یا آن گروهها دارند تا

حدی صاحب تشخیص و امتیاز گردد.

در حقیقت منظور ارایش فروم به بیان دیگر اینست که هر انسانی به احساس خاص و منحصر به فرد بودن نیاز دارد اگر نتواند این احساس را از طریق خلاقیت ایجاد کند، آن را از راه همانند سازی با انسانهای دیگر تحقق می‌بخشد، لذا شخصیت هر انسانی بر اساس فرصتها و امکاناتی که شرایط جامعه و فرهنگش برای او فراهم می‌آورند شکل می‌گیرد.

جوان و هویت دینی

از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است، به این معنا که فرد، مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند، تجلی چنین احساس و تمایلی، در اعمال و رفتار دینی آشکار می‌شود. رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله «هویت دینی» قابل تبیین و توضیح است.

به گفته یکی از روانشناسان، هدف ایدئولوژی، ایجاد تصویری در ذهن شخص است که احساس فردی و جمعی هویت را در او تقویت نماید. بدیهی است از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزشها و بارورهای آن مکتب می‌باشد. برخی از صاحب‌نظران، تعهد را بعنوان سنگ بنای «هویت دینی» تلقی می‌نمایند.

یکی از کارشناسان یونسکو معتقد است: اولین هدف آموزش و پرورش القای ارزشهای نیرومند انسانی به جوانانمان است به نحوی که با انسانیتی بهتر و والاتر رشد نمایند. آنها باید مفهوم انسانیت را بیاموزند و تا زمانی که زنده‌اند به

مضامین آن مقید باشند، علی رغم اهداف ما و علی رغم سیاستها و تصمیمهای مکتوب، تصور می‌کنم، این همان چیزی است که کمبود آن در نظام آموزشی امروز کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، شدیداً احساس می‌شود، ظاهراً تلاش برای تعالی علمی، انسانیت از آخرین جایگاه ارزشی برخوردار است. در حقیقت تحت پوشش تعالی علمی، ارزشهای انسانی، احساس همدردی، عاطفه و محبت پایمال شده‌اند و رقابت بر پایه تعالی علمی برای یکایک افراد یا یک گروه از دانش‌آموزان یک مدرسه، یک کالج یا یک دانشگاه، باری سنگین بر دوش انسانیت نهاده است. دانش‌آموزان برای تلاش بیشتر در راه کسب تعالی علمی و ورزشی علناً به بی‌اعتنایی و بی‌عاطفگی تشویق می‌شوند. این رقابت به قیمت انهدام کلیه ارزشهایی تمام می‌شود که باید به وسیله آموزش و پرورش به بشریت تفهیم و القاء گردد.

عوامل گسترش تفکرات مذهبی و دینی در نسل جوان بویژه اقشار دانشگاهی

۱- پاسخ به پرسشهای بنیادین: اولین و مهمترین دستاورد هویت دینی و مذهبی پاسخ به پرسشهای بنیادین و عمیق آدمی است. ساموئل هانتینگتون معتقد است: دین برای کسانی که با پرسشهایی از این دست روبه‌رو هستند که: من کیستم؟ و به کجا تعلق دارم؟ پاسخهای قانع‌کننده‌ای دارد.

زمانی «نیچه» فیلسوف برجسته آلمانی اظهار کرد: اگر آدمی بداند که چرا باید زندگی کند، قادر است با هر چگونگی‌ای بسازد و منظور او دقیقاً روشن است به این معنا که اگر «کلیت زندگی» برای آدمی قابل تفسیر و تحلیل باشد، در سایر موارد نیز

می‌تواند با آگاهی، گام بردارد. دین غایت حرکت آدمی رابه سوی خدا و تکامل معنوی می‌داند و او را نیز جانشین خداوند در زمین تلقی می‌کند.

ژان فوراستیه، اقتصاددان و جامعه‌شناس فرانسوی نیز معتقد است: بشر امروز پاسخ به پرسشهای مزبور به انسان را نیافته است و آن مهمتر نتوانسته است هیچ گونه پاسخ مشترکی با دیگر هم‌نوعانش بیابد که قانع‌کننده نیز باشد به همین دلیل، انسانهای امروزی به تمام پرسشهای عملی که زندگی سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و فردی مطرح می‌شود، پاسخهایی کاملاً متفاوت با یکدیگر و اغلب متناقض می‌دهند. افزوده بر این پاسخها تصمیمها و اقدامات آنها کاملاً بی ثبات و فاقد اعتبارات زیرا یک فرد معین، حسب سلیقه روز، برخوردها یا آخرین اطلاعات دریافتی، همواره نظریاتش را تغییر می‌دهد. وی در ادامه نظریاتش، ضمن انتقاد از اطلاعات پراکنده و غیر منسجمی که آدمی دریافت می‌کند ولی نمی‌تواند جایگزین واقعیت‌های پایدار شود، می‌افزاید: به این ترتیب بعلت فقدان نظریات بنیادی، مذهبی و اخلاقی و فلسفی درباره هستی و انسان، مفهوم زندگی، شرایط زندگی بشر، خوشبختی، امکاناتی که بشر به مدد آنها می‌تواند به سعادت برسد و استفاده صحیح و سالم از زندگی و به دلیل فقدان پاسخهایی مطمئن و موثق درباره رازهای هستی و سرانجام آن، بشر امروزی خود را در برابر این مسائل ناتوانند از گذشته و تنها می‌یابد هویت دینی و مذهبی، توانایی آن را دارد که فلسفه ارضاء‌کننده حیاتی برای بشر تنظیم، تدوین و ارائه کند.

۲- جهت بخشیدن به زندگی وهستی

پیامد دیگری که از تکوین هویت دینی، برای نسل جوان، عاید می‌شود،

جهتمند شدن زندگی است. ساموئل هانتینگتون می‌نویسد: دین به زندگی نخبگان نوپای جوامعی که در حال مدرن شدن هستند، جهت و معنا می‌دهد. رونالد دور می‌گوید: ارزش نهادن به یک دین سنتی، خواسته‌ای است که در برابر احترام گذاشتن به فرهنگ ملتهای مسلط قرار می‌گیرد و غالباً بطور همزمان، طبقه حاکم که ارزشها و شیوه‌های زندگی خود را با فرهنگ آن ملت مسلط تطبیق داده‌اند، در تضاد قرار می‌گیرد.

امام راحل نیز در تبیین رابطه اسلام و زندگی بر جامعیت و شمول همه جانبه دین تأکید نموده و می‌گویند «مذهب اسلام» همزمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادتی کن و چگونه عبادت کن به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسانها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید هیچ حرکتی و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر اینکه مذهب اسلام برای آنکه حکمی مقرر داشته است... چون اسلام، هدایت جامعه را به همه شئون و ابعاد به عهده گرفته است.

۳- رویکرد مثبت به آینده

احراز هویت دینی برای نسل جوان، به منزله تقویت روحیه امیدواری و نشاط برای آینده‌ای بهتر است زیرا از جلوه‌های دین مبین اسلام، انتظار حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، نسلی که منتظر است در حقیقت به فردایی امیدوار می‌باشد که به مراتب بهتر از امروز است علاوه بر این امر، قومی که انتظار مصلحی را می‌کشند خود باید صالح باشند.

امام (ره) در معرفی یکی از ترفندهای جهان استکبار می‌فرماید: از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر خصوصاً در دهه‌های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب، آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملت‌ها، بخصوص ملت فداکار ایران، از اسلام است، گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است، نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یکی دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند.^(۱) انقلاب اسلامی در عصر عسرت «دیانت» و مهجوریت آن بر فرهنگ و تمدن غالب پیروز شد و بار دیگر اسلام را بعنوان دینی زنده و نجات دهنده به صحنه باز گرداند.

۴- وحدت اعتقادی

برنارد لیویس، معتقد است که در جهان اسلام «در موارد اضطرار، مسلمانان، بارها این تمایل را نشان داده‌اند که در قالب یک وحدت دینی، هویت بنیادین و ایمان خود را باز یابند، یعنی هویتی که نه با معیارهای قومی یا سرزمینی، بلکه بوسیله اسلام، تعریف شده باشد. ژیل کپل هم بر اهمیت موضوع هویت تأکید می‌کند و می‌گوید "اسلامی شدن دوباره، از سطوح پائین اجتماع، اولین و مهمترین راه بازسازی هویت در جهانی است که معنای خود را از دست داده و بی شکل و بیگانه شده است.

امام (ره) نیز از مهمترین عوامل پیروزی، وحدت عامه مردم تلقی می‌کنند:

۱- آئین انقلاب اسلامی، گزیده او از اندیشه و آراء امام خمینی (ره)

روی موازین مادی، روی موازین عادی باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم... لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به ولی عصر [سلام الله علیه]، شما را پیروز کرد، برادران من از یاد نبرید این رمز پیروزی را، این وحدت کلمه‌ای که در تمام اقشار ایران پیدا شد معجزه بود. کسی نمی‌تواند این را ایجاد کند، این معجزه بود، این امر الهی بود، این وحی الهی بود نه کار بشر، رمز پیروزی شما اول ایمان ثابت و بعد وحدت کلمه این دو مطلب را حفظ کنید.

۵- هویت دینی، زمینه‌ساز هویت تمدنی

رابطه ادیان و تمدن‌ها یکی از مباحث مهم و تعیین‌کننده در میان تاریخ نگاران و تمدن‌شناسان است. نویسنده "برخورد تمدن‌ها معتقد است" دین، ویژگی هر تمدنی است و به قول کریستفر داوسن، ادیان بزرگ شالوده‌هایی است که تمدن‌های بزرگ بر آن بنا شده‌اند. از پنج دین جهانی که و بر برشمرده است چهار دین - مسیحیت اسلام، هندویسم و آئین کنفوسیوس - تداعی کننده تمدن‌های بزرگ هستند، اما دین پنجم یعنی بودیسم چنین نیست، زیرا به سرعت به فرقه‌های مذهبی مختلف تبدیل شد. وایتهد نیز بر این باور است که "مسلمانان، خود تمدن گشتند و دانش و ادب و فرهنگ را از سقوط قطعی نجات دادند. برای درک بهتر و روشنتر عبارت مذکور کافی است به این واقعیت توجه شود که طبیعت جاهلی عرب با ظهور اسلام، به طبیعت تمدن خواه، مبدل شد.

امام راحل نیز با توجه به رابطه دین و تمدن می‌گویند: "اسلامی که بیشترین تأکید خود را بر اندیشه و فکر قرار داده است و انسان را به باز داری از همه خرافات

واسارت قدرتهای ارتجاعی و ضد انسانی دعوت می‌کند چگونه ممکن است با تمدن و پیشرفت و نوآوریهای مفید بشر که حاصل تجربه‌های اوست سازگار نباشد^(۱)

ایشان ضمن پذیرش تمدن جدید، معیار عدم وابستگی را نیز با صراحت مطرح می‌نماید: اسلام همه ترقیات و همه صنعتها را قبول دارد، با تباهی‌ها مخالف است با آن چیزهایی که تباه می‌کند جوانهای ما را، مملکت ما را، با آنها مخالف است، اما با همه ترقیات، همه تمدنها موافق است، اسلام وابستگی شما را و ما خودمان را به دیگران منکر است.

و در جای دیگر بر این معنا تأکید دارند که: همه مظاهر تمدن را انبیاء قبول دارند، لکن مهار شده، نه مطلق ورها، شهوات، جلویش را نگرفتند. جلوی اطلاعاتش را گرفتند.

لذا می‌توان بر این مبناء استنتاج نمود که در صورت تکوین هویت دینی برای نسل جوان، زمینه‌های شکل‌گیری هویت تمدنی نیز مهیا خواهد شد.

۶- مقبولیت اجتماعی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دینداری، نه تنها پاسخ به یک نیاز فطری است بلکه بر پذیرش اجتماعی نیز اثر گذار است زیرا فطرت‌های پاک، زلال و خدایی، آنهایی را که موحد و خداجویند بیش از دیگران، مورد اعتماد می‌دانند هر چند خود به دلایل آن آگاه نباشند.

در روایتی از امام معصوم(ع) نقل شده است که فرمودند: آن کس که

۱- وایتهد، آلفرد نورث - سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه عبدالحسین گواهی ص ۲۴۵.

رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خداوند رابطه‌اش را با دیگران اصلاح خواهد نمود. [امام علی (ع)]

امام (ره) نیز در تأیید همین معنا می‌گویند: مسأله، آگاهی و بیداری سیاسی مردم ما و «هویت اسلامی» آنها و معیارهای اسلامی است. هر کس بر اساس این معیارهای اسلامی با مردم حرکت کند، مورد قبول و محبوبیت مردم خواهد بود. و در فرازی دیگر می‌فرمایند: مردم، اسلام هر چه بفرماید قبول می‌کنند، به تعبیر و برداشت نویسنده کتاب «نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره) اینجا، ایشان «امام ره» رابطه دو جانبه‌ای بین حفظ اسلام و حفظ مردم برقرار می‌کنند، چون مردم مسلمان، حکم اسلام را می‌پذیرند پس برای حفظ اسلام، باید مردم را داشت و برای حفظ مردم باید به اسلام ملتزم بود.

۲- شأن و منزلت جوانی^(۱)

هویت دینی، جوان را در جایگاهی ارزشمند و رفیع قرار می‌دهد و تعابیر والایی را در شأن او عرضه می‌دارد. دین، از یک سوی جوان را به ملکوت نزدیکتر از دیگران می‌داند و از دیگر سوی معتقد به تکریم و بزرگداشت وی می‌باشد. و بر مبنای مکلف شدن به تکلیف الهی، او را هم تراز و هم شأن بزرگسالان می‌داند.

- در حدیثی از رسول اکرم (ص) آمده است که فرمودند: هیچ جوانی به خاطر خدا از دنیا و سرگرمی آن دست بردارد و جوانی خود را در اطاعت خدا به پیروی نرساند، مگر آنکه خداوند به او اجر هفتاد و دو صدیق را عنایت خواهد فرمود. و در روایت دیگر از آن حضرت آمده است: خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت

۱- فرید گلپایگانی، راهنمایی انسانیت، ص ۱۸۵.

خدا به سر می‌برد دوست می‌دارد.

و نیز این کلام از آن بزرگوار است که فرمودند:

فضیلت جوان عابد که از آغاز جوانی عبادت کند بر پیری که وقتی سن بسیار یافت، عبادت کند، چون فضیلت پیغمبران بر سایر مردم است. از این روایات اینگونه بر می‌آید که علت محبت پروردگار به جوان و پاداش عنایت کردن خداوند به او و نیز فضیلت بخشیدن به وی، مرهون ابعاد دینی و معنوی اوست و به او اختصاص دارد و از نوع عنایت عام نمی‌باشد بلکه نوعی عنایت خاص محسوب می‌شود.

۸- معنا بخشیدن به جهان

ویلیام جیمز در تحلیل زیبایی که از نقش دین ارائه می‌نویسد: وقتی که خدا را در همه چیز می‌بینیم، در پست‌ترین چیزها، عالیترین حقایق را در خواهیم یافت، حقیقتاً که دنیا، دنیای دیگری جلوه خواهد کرد.^(۱) او همچنین معتقد است که: قیافه دنیا در نظر مردم با ایمان، فرق می‌کند، مردم مذهبی بطور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که به زندگی آنها ارتباط دارد، به نظرشان انعکاس از مشیت الهی است و این مشیت الهی که از نظرها پنهان است، در نمازها و دعاها به شدت مشهود می‌گردد. اگر نیرویی برای تحمل پشامدها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می‌آید.

برخی از صاحب‌نظران تمدن سیاسی نیز بر این باورند که هویت دینی معنای جدیدی به جهان می‌بخشد در حقیقت باید اذعان کرد که پیوند نسل جوان و دین در عالیترین تجلی آن موجب احساس همدلی و یگانگی با جهان هستی می‌شود

۱- جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، ص ۱۶۷.

چنین فردی با طبیعت زیبا، ستارگان درخشان، کوهها و دره‌های مرموز وبا ابهت، احساس خویشاوندی می‌کند. و زبان حال وی در این بیت متجلی است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.

منابع و مأخذ

- ۱- حمید شاملو، مکاتب و نظریه‌ها در روانشناسی.
- ۲- ساموئل هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ترجمه محمد علی حمید رفیعی.
- ۳- ژان فوراستیه، تمدن سال ۲۰۰۱، ترجمه خسرو رضائی.
- ۴- آئین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشمندان و آراء امام خمینی (ره).
- ۵- حیث ماندگار، شرح موضوعی وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره).
- ۶- وایتهد، آلفرد نورث، سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه دکتر عبدالحسین گواهی.
- ۷- جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائمی.
- ۸- مزید گلپایگانی، راهنمای انسانیت. مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی